

و نون است و چون این چهار حروف را جمع کند لفظ این
شود و این حروف را حروف حوادث نیز گویند
یا چون بفعل و اما چون تفعل و
چون افعل و نون چون تفعل و این نیز
بر چهارده قسم است از آن مذكر غایب
راست و سه از آن مرمونست غایب را
و سه از آن مذكر حاضر راست و سه از آن
مرمونات حاضر است و دو از آن مرمونات
نفس متکلم راست مذكر و مرمونات در و نون

یک است چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون

تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون
تفعلون چون تفعل و نون

فصل مضاعف مشترک است میان حال و استقبال
ولیکن حمل او بر حال اولیتر است از حمل او بر
استقبال مگر آنکه دلالت استقبال در سخن ظاهر
کرد چنانچه حکایت از زمان آینه باشد چون
صفات قیامت که در قرآن است چون یوم یفزع
فی الصور و یوم یقوم الروح و یا حروف شرط
بر آن در آمده باشد چون ان تفعل فعل
و ان تکرم الکرم و چون جوابی که خالص محل را باشد
لام مفتوح در اول او در آن چون قال انی لیخیر بین ان
تذهبوا به و چون جوابی که خالص ماستقبال را باشد
حرف سین یا سوف در اول او در آن چون سیئنا را او منکر

Copyright © King Fahd University